

ارزیابی شگردهای ترجمه طاهره صفارزاده برپایه عوامل تحریف متن آنتوان برمن مطالعه موردی: سوره مبارکه نساء

فرشته افزلی^{۱*}، حمید ثنائی^۲

۱- استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

f.afzali@du.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

Hamidsanaei123@gmail.com

چکیده

آنتوان برمن، سیستم تحریف متن را هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی می‌داند. سی‌وسه آیه از آیات الاحکام در سوره مبارکه نساء وجود دارد که با در نظر گرفتن این مهم و برپایه نام سوره و جنسیت مترجم زن، ترجمه طاهره صفارزاده و نیز مدل آنتوان برمن برای پژوهش حاضر برگزیده شد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، سامان یافته و ترجمه صفارزاده از سوره نساء برپایه شش مؤلفه از سیزده مؤلفه تحریف متن آنتوان برمن یعنی عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، آراسته‌سازی، غنازدایی (تکییف) کیفی و غنازدایی کمی بررسی شده است. گفتنی است با توجه به تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به عقیده برمن در تمامی نمونه‌ها بسیار دشوار است؛ به همین روی در اینجا هر سیزده مؤلفه بررسی نشده و مؤلفه‌هایی بررسی شده‌اند که نمونه‌های بهتری از آن در ترجمه این مترجم یافت می‌شود. روش پژوهش برپایه مقابله متن مقصد با متن مبدأ است. متن مقصد به صورت خط‌به‌خط با متن مبدأ، مقابله و شاهد مثال‌ها با توجه به هر یک از مؤلفه‌ها استخراج می‌شود.

برآیند پژوهش نشان می‌دهد در میان این شش مؤلفه، عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی و اطناب کلام از پربسامدترین عوامل تحریف در ترجمه صفارزاده و در سه حوزه غنازدایی کیفی، آراسته‌سازی و غنازدایی کمی، کمترین انحراف را از متن اصلی داشته است. مترجم از دیدگاه انتقال ساختار و درون‌مایه نیز ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی، ارائه و تلاش کرده است هیچ عبارتی را از قلم نیندازد؛ ولی در بسیاری از نمونه‌ها عبارت‌ها را به صورت واژه‌به‌واژه برگردانده است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، سوره نساء، آیات الاحکام، طاهره صفارزاده، آنتوان برمن، مؤلفه‌های تحریف متن.

طرح مسئله

نقد و بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم از مباحثی است که در چند دهه اخیر، در حوزه پژوهش‌های قرآنی، به آن توجه ویژه‌ای شده است؛ زیرا با انجام ارزیابی، به میزان روانی، شفاف‌بودن ترجمه‌ها و مانوس‌بودن واژگان و ترکیب‌ها و تعبیرهای گوناگون با بار عاطفی، احساسی و فرهنگی و ... پی برده می‌شود؛ ولی برخی از این ترجمه‌ها برپایه نظریه علمی و اصولی، ارزیابی کیفی نمی‌شوند؛ نقدهای ترجمه قرآن «غالباً از مبانی ارزیابی خاصی پیروی نکرده و اگر گاهی نیز مبانی معناشناسی و زبان‌شناسی در ترجمه‌ها به کار می‌رفته، بیشتر تابع خلاقیت‌های فردی منتقدان و میزان دانش زبانی و آشنایی آنها با مبانی زبان‌شناسی روزگار خود بوده است» (هاشمی و حیدرپور، ۱۳۹۲، ص ۴۵). شماری از پژوهشگران، معیارهای پذیرفته‌شده ترجمه در یک جامعه را ملاکی برای ارزیابی ترجمه‌ها در نظر گرفته‌اند و بر این باورند که به سبب تفاوت متغیرهای گوناگون اجتماعی در جوامع گوناگون، ممکن است معیارهای خاصی برای جامعه‌ای مناسب باشد که برای جامعه دیگر درست نباشد (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۹۵). در این پژوهش، آیات الاحکام سوره مبارکه نساء برپایه همخوانی میان نام سوره و جنسیت مترجم برگزیده شد. آیات احکام شرعی در قرآن به «آیات الاحکام» یا «آیات فقهی» نامدار است. با توجه به اینکه حدود ۵۰۰ آیه قرآن درباره احکام شرعی است، مترجم باید به ابعاد فقهی معنای آیات، توجه و از قواعد فقهی به‌منظور ترجمه درست آنها استفاده کند. به سبب اینکه هر زبانی، دستور، قالب و ساختارهای مخصوص به خود دارد و ساختار جمله‌ها

در زبان فارسی با ساختارهای زبان عربی کاملاً مطابق و هماهنگ نیست، سنجش میزان موفقیت ترجمه‌های متون دینی در انتقال مفاهیم قرآن به بررسی همه‌جانبه نیاز دارد. «ساختار آیات الاحکام به گونه‌ای است که مترجم نمی‌تواند بدون آشنایی با "دانش فقه" ترجمه‌ای درست و بی‌لغزش ارائه دهد؛ از این رو برخی از ترجمه‌های فارسی معاصر دچار لغزش شده‌اند» (معین و رضایی کرمانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳). گفتنی است مترجمان بسیاری این آیات را ترجمه کرده‌اند؛ ولی فقیه یا مجتهد و نیز افراد آشنا با علم فقه می‌توانند ترجمه مناسب‌تر و موفق‌تری از آیات فقهی ارائه دهند. رضایی اصفهانی در مقاله «نقش دانش‌های مترجم در ترجمه قرآن» می‌گوید: «معمولاً کسانی که فقیه بوده‌اند، در ترجمه این آیات خطا نکرده‌اند؛ اما کسانی که از دانش فقه بهره‌ای نداشته یا به مسائل فقهی توجهی نکرده‌اند، در ترجمه دچار خطاهای متعدد شده‌اند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۷).

«آنتوان برمن مبدأگراست. او معتقد است معنای زیبا زاییده فرمی زیباست؛ بنابراین، مترجم تنها با وفاداربودن به فرم می‌تواند معنا را انتقال دهد. او از جمله نظریه‌پردازان مبدأگرایی است که با گرایش متداول بومی‌سازی و زشت برشمردن بیگانه‌سازی در فرایند ترجمه، به شدت مخالفت کرده است. او هرگونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام یا حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از جمله عوامل تحریف متن برمی‌شمارد» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۵۸). «اگر قبول کنیم نگاه برمن به ترجمه، یک نگاه مبدأمدار است، ناچار باید بپذیریم این نگاه بیشترین قرابت را با ترجمه متون دینی مانند قرآن دارد که مستقیماً از منبع وحی است یا از سوی آنانی که با

در سیزده مقوله دسته‌بندی می‌کند؛ ولی به نظر می‌رسد مطابقت تمامی این عوامل به نحوی در گرو نوع نثر و طول متن باشد» (دریابندری، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

از این روی برخی از این مؤلفه‌ها همچون عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب‌سازی، آراسته‌سازی، غنازادایی کمی و غنازادایی کیفی روی ترجمه این مترجم پیاده شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود:

- ترجمه طاهره صفارزاده از آیات الاحکام سوره نساء با کدام یک از عوامل تحریف متن آنتوان برمن سازگاری بیشتری دارد؟

۱- پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش مستقلی درباره ترجمه طاهره صفارزاده از سوره نساء برپایه الگوی آنتوان برمن نشده است؛ ولی برخی پژوهش‌ها در زمینه ترجمه قرآن و آنتوان برمن عبارت‌اند از:

- فاطمه مهدی‌پور در مقاله «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن» در شماره ۴۱ مجله کتاب ماه ادبیات (۱۳۸۹) مؤلفه‌های ترجمه این نظریه‌پرداز را بررسی می‌کند.

- شهرام دلشاد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه براساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن» ترجمه شهیدی از نهج البلاغه را با تکیه بر چهار مؤلفه عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب و آراسته‌سازی به نقد کشیده‌اند.

- معصومه نعمتی قزوینی در مقاله «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام» ترجمه صفارزاده از سوره بینه را با تکیه بر

منبع وحی به هر شکل ارتباطی دارند و هم لفظشان و هم معنایشان قداست و دلالت بالایی دارد و نباید در خلال ترجمه دچار تحریف شود» (رحیمی خویگانی، ۱۳۶۱، صص ۵۳-۵۲). گرچه باید یادآور شد «با توجه به تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به عقیده برمن در تمامی موارد بسیار دشوار است» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

نظریه عوامل تحریف متن آنتوان برمن برای رسیدن به این هدف، در این پژوهش برگزیده شد؛ زیرا برپایه این نظریه، شیوه عملکرد مترجمان به شکل روشمند ارزیابی می‌شود تا از این رهگذر، نقاط قوت و ضعف یک ترجمه به دست آید. این سیستم از سیزده مؤلفه تشکیل شده است که عبارت‌اند از: عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب‌کلام، تضعیف کیفی، تضعیف کمی، آراسته‌سازی، همگون‌سازی متن، تخریب ضرباهنگ، تخریب‌های معنایی مستتر در متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های زبان‌های محلی، تخریب سیستم زبانی و تخریب اصطلاحات.

این پژوهش همه عوامل تحریف متن برمن را بررسی نمی‌کند؛ بلکه مؤلفه‌هایی را بررسی می‌کند که نمونه‌های بهتری از آن در ترجمه صفارزاده یافت می‌شود؛ زیرا این شش مؤلفه قابلیت انطباق بیشتری بر ترجمه این مترجم دارد. برمن اشاره می‌کند: «من در اینجا به سیزده نمونه از این تحریفات اشاره می‌کنم؛ شاید تعداد آنها بیشتر باشد یا هم‌پوشانی در کار باشد یا حتی یکی را بشود زیرمجموعه دیگری قرار داد؛ ولی اینها در ترجمه غربی وجود دارد و باید اقرار کرد برخی رواج بیشتری نسبت به دیگری دارد» (برمن، ۲۰۱۰، ص ۷۵). «گرچه برمن عوامل تحریف متن را

الگوی انسجام هالیدی و حسن نقد کرده است.

- محمد فرهادی و دیگران در مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن» (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان) این دو نمونه را در ترجمه فارسی انصاریان نقد و بررسی می‌کند تا میزان انحرافات موجود در ترجمه او را بررسی کند.

- علی افضلی و عطیه یوسفی (۱۳۹۵) در مقاله «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن» با بررسی چند نمونه از نظریه برمن در کتاب الجلسان الفارسی، تحریف‌های متن را ناشی از ناآشنایی مترجم به زبان فارسی و تمایزهای مرتبط با ساختار دستوری و ... برشمرده‌اند.

- و جواد معین در پایان‌نامه «بررسی چگونگی ترجمه آیات الاحکام در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، ترجمه‌های (آیتی، قمشه‌ای، انصاری، شعرانی و ...) را ارزیابی کرده است.

۲- بحث و بررسی

الگوهای برگزیده عوامل تحریف متن آنتوان برمن در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱-۲- عقلایی‌سازی (منطقی‌سازی) (Rashonalization)

در این شیوه، مترجم به تغییر سبک نگارش و سطح زبان نویسنده می‌پردازد و با جابه‌جا کردن واژه‌های تشکیل‌دهنده جمله، آن‌ها را به نظم درمی‌آورد تا در زبان مقصد منطقی‌تر نشان دهد (Berman, 1999: 58؛ برمان، ۲۰۱۰، ص ۷۶)؛ برای نمونه، «جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات را می‌شکند یا جملات معترضه را جابه‌جا یا کم و اضافه می‌کند.

درحقیقت برمن فرایند عقلایی‌سازی را تحریفی در متن اصلی قلمداد و آن را رد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۳). در عقلایی‌سازی، مترجم به دلیل متداول نبودن ترکیب زبان مبدأ دست به تغییراتی می‌زند؛ برای مثال، در زبان عربی، ابتدا فعل و سپس فاعل می‌آید؛ در صورتی که در زبان فارسی فاعل در آغاز کلام آورده می‌شود. پس مترجم در ترجمه خود، چاره‌ای جز این کار ندارد (مسبوق و گلزار خجسته، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹). صفارزاده به سبب تفاوت‌های ساختاری میان دو زبان عربی و فارسی، ناگزیر متن ترجمه را در موارد بسیاری عقلایی‌سازی کرده است. به گونه کلی، شگرد عقلایی‌سازی به شکل‌های گوناگونی انجام می‌شود:

۱-۱-۲- تبدیل اسم‌ها و صفت‌های عامل به فعل و

برعکس

در زبان فارسی برخلاف زبان عربی، اسم (که مصدر را نیز در بر می‌گیرد) نمی‌تواند حالت عاملی بگیرد و نقش فعل را بازی کند (خطیب رهبر، ۱۳۸۱، ص ۶۵)؛ به همین سبب، برپایه نظریه برمن، گاهی به کار بردن مصدر یا صفت عامل به‌عنوان واژه برابر صفت و مصدر عامل عربی، تحریف متن به شمار می‌رود. صفارزاده در بسیاری از موارد ساختارهای زبان اصلی را برهم زده و اسم را به فعل و فعل را به اسم و ... تبدیل کرده است؛ برای نمونه:

أ. تبدیل فعل به اسم

- «وَ لَاتُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَ ارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ». (نساء: ۲۲) و اموالی که (به‌عنوان قییم) متصرف آن‌اند و خداوند وسیله

باید ترسید و حتی بیشتر: تبدیل مصدر "خشیه" به فعل "ترسید".

۲-۱-۲- تقدیم و تأخیر و تغییرات نحوی

این دسته دربرگیرنده تغییرات نحوی است که در آنها ترتیب جمله‌ها یا ساخت‌های نحوی در یک جمله به سبب تفاوت ساختار گفتمانی در زبان با هم به هم خورده است؛ یعنی تغییرات اختیاری و بدون قاعده مترجم. برخی از تغییرات برپایه قواعد خاص و اجبار هست؛ مانند ترجمه فعل در پایان جمله که براساس اصول فارسی‌نویسی است؛ ولی تغییراتی چون پس و پیش کردن دو واژه، به اختیار مترجم صورت می‌گیرد. «ترتیب واژه در جمله بسیار مهم است؛ زیرا نقشی مهم در تأمین دیدگاهی منسجم و جهت‌دادن پیام‌ها در سطح متن بازی می‌کند» (بیکر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۹). تغییرات نحوی همچون در ترجمه یک عبارت معترضه یا قید یا فعل که به انتهای جمله انتقال داده می‌شود و جابه‌جایی ترجمه واژگان؛ مثلاً پس و پیش کردن ترجمه دو معطوف یا تغییر ساختار نحوی مانند ترجمه موصوف و صفت یا مضاف و مضاف‌الیه.

ولی «برمن هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را تحریف متن اصلی می‌شمرد و از آن به‌عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۵۸).

أ. انتقال فعل به پایان جمله

– وَ لَآ تَتَمَنَوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (نساء: ۳۲)؛ و نعمتی که خداوند به سبب آن بعضی را بر بعضی دیگر برتری عنایت فرموده، آرزو نکنید: ترجمه فعل "تتمنوا": آرزو نکنید به پایان جمله.

حیات مادی شما مقرر فرموده است، به دست سفیهان و عقب‌ماندگان ذهنی ندهید؛ اما از اموالشان، وسیله معاش، خورد و خوراک و لباس برای آنها فراهم کنید (صفارزاده): تبدیل فعل "ارزقوا" و "اکسوا" به اسم "خورد و خوراک" و "لباس".

ب. تبدیل اسم به فعل

– لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (نساء: ۷)؛ برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان ارث باقی می‌گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان ارث باقی می‌گذارند، سهمی است؛ کم یا زیاد فرق نمی‌کند، این سهمی است که حکم آن مقرر فرموده شده است: تبدیل اسم (صفت عامل) "مفروض" در ترجمه به فعل "مقرر فرموده است".

ت. تبدیل فعل به مصدر

– وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِهَتَانَا وَإِنَّمَا مَبِينَا (نساء: ۲۰)؛ آیا برای پس گرفتن مهریه به تهمت زدن و افترا که گناهی آشکار است، متوسل می‌شوید؟ (همان، ص ۱۸۴): تبدیل فعل "تأخذون": پس می‌گیرید، به مصدر "پس گرفتن".

ث. تبدیل مصدر به فعل

– فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً (نساء: ۷۷)؛ اما هنگامی که حکم جهاد بر آنان مقرر شد، آنگاه گروهی از ایشان که از مردم می‌ترسیدند، چنانکه از خداوند

ب. افزودن فعل

- فَاَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوًّا

غَفُورًا (نساء: ۴۳)؛ و چهره و دست‌ها را با آن مسح کنید. همانا خداوند آن عفوکننده آمرزنده است. حذف تأکید "اِنَّ": نباید تأکید این حرف را به‌راحتی تغییر داد.

- وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَّقْتُلَ مُؤْمِنًا اِلَّا خَطَاً (نساء: ۹۲)؛ نباید فرد مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه از روی خطا و تصادف مرتکب این گناه شود؛ افزودن فعل "مرتکب شدن" که در متن مبدأ بدون فعل است.

ت. جابه‌جایی

۳-۱-۲- انتقال مرجع ضمیر

تعیین مرجع ضمیر، امری مهم در حوزه ترجمه است و تشخیص درست آن کمک شایانی به ترجمه این کتاب آسمانی می‌کند. «انتقال مرجع ضمیر یعنی مثلاً هنگامی که ضمیر می‌آید، به جای آن اسم و مرجع ضمیر آن را می‌آوریم» (فارسیان و اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۸).

فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ اِنْ خِفْتُمْ اَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِيْنَ كَفَرُوا (نساء: ۱۰)؛ گناهی محسوب نمی‌شود که در صورتی که از فتنه و شرّ کافران بیمناک باشید، نماز خود را شکسته بخوانید: تقدیم و تأخیر و تغییرات مترجم در ترجمه جمله "ان خفتم" پیش از جمله نخست یعنی "ان تقصروا". با توجه به اینکه باید در اصل در اینجا جابه‌جایی صورت بگیرد، ولی به عقیده برمن، هر گونه دستکاری تحریف است.

ث. تغییر ساختار نحوی

- فَلَهَا نِصْفٌ مَّا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَوَلَدٌ فَاِنْ كَانَتْ اِثْنَيْنِ فَلَهُمَا التُّثَاْنِ مِمَّا تَرَكَ (نساء: ۱۷۶)؛ نصف اموال او به آن خواهر می‌رسد و اگرخواهری بمیرد و فرزند نداشته باشد، (برادر) تمام مال خواهر را به ارث می‌برد؛ در صورتی که ورثه تنها دو (یا بیش از دو) خواهر باشند، دوسوم میراث برای آن دو خواهد بود: آوردن مرجع "ورثه" برای ضمیر بارز مرفوع در فعل کانتا.

فَاِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَابًا مَّوْقُوْتًا (نساء: ۱۰۳)؛ و همین که آسوده‌خاطر و ایمن شدید، نماز را به‌صورت معمول به‌طور کامل برگزار کنید؛ زیرا انجام فریضه نماز در اوقات معین بر مؤمنان "واجب" مقرر شده است: "موقوت"، صفت برای کتاب است؛ ولی در اینجا پیش از موصوف خود یعنی کتاب (واجب) و به‌صورت جار و مجرور ترجمه شده و ساختار جمله زبان مبدأ را تغییر داده است.

۲-۲- شفاف‌سازی (Clarification)

«شفاف‌سازی یک میل شایع در میان مترجمان است؛ یک اندیشه پنهانی و کنایه‌آمیز را می‌توان روشن‌سازی کرد» (برمان، ۲۰۱۰، ص ۷۹). در شفاف‌سازی، مترجم با افزودن واژه یا واژگانی، دست به شفاف‌سازی متن می‌زند؛ مانند رفع ابهام از مضاف محذوف یا توضیح در پانویس و ... «هدف افزوده‌های زبانی آن است که متن ترجمه

«زبان عربی نسبت به زبان فارسی پرتأکیدتر است و جملات زبان عربی با شیوه‌های گوناگونی مؤکد می‌شوند» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۶۷)؛ برای نمونه، تأکید حرف "اِنَّ" همیشه باید نشان داده شود:

است بر جنبه‌هایی از دانش عمومی زبان مبدأ آگاه نباشند؛ اینجاست که مترجم به کارگیری شفاف‌سازی را درک بهتری از متن برای خوانندگان می‌داند (پهلوان‌نژاد و شیرین‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳-۱۳۴).
گفتنی است میل به شفاف‌سازی در ترجمه صفارزاده به روشنی دیده می‌شود.

۱-۲-۲- واژه توضیحی

افزوده‌های درون پرانتز و افزوده‌های بدون پرانتز با همدیگر متفاوت‌اند؛ ولی در نظریه برمن، این افزوده‌ها از این دیدگاه باهم برابرند.

- فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا (نساء: ۴)؛ و اگر زنان با رضایت قلبی بخشی از آن را به شما ببخشند: افزودن واژه "رضایت" و "قلب" برای نشان‌دادن میزان میل قلبی زنان.

- حَرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ وَعَمَّاتِكُمْ و... (نساء: ۲۳)؛ ازدواج با این افراد بر شما حرام شده است: (ازدواج) با مادر و دختر و خواهر و عمه و... افزودن واژه "ازدواج" برای رفع ابهام جمله.

۲-۲-۲- واژه توضیحی درون پرانتز

زمانی که خواننده، ترجمه را می‌خواند، اگرچه واژه مبهمی در آن نیست، شاید معنا را چنانکه باید درنیابد و هدف ترجمه، یعنی فهم معنای دینی، برآورده نشود؛ ولی آنچه مترجم در پرانتز آورده، روشنگری است که برای دریافت بیشتر به مخاطب ارائه می‌کند و از رهگذر این فهم، آرامش‌خاطری حاصل از دریافت معنا برای خواننده ایجاد می‌شود؛ در نتیجه، شاید این روشن‌گری مترجم در پرانتز برای یک مخاطب عامه، او را سریع‌تر به مقصود برساند؛ ولی اگر مترجم به

در نتیجه اختلاف‌های طبیعی موجود میان دو زبان از جهت شیوه بیان، به متنی بریده‌بریده و مبهم و ثقیل یا نامأنوس در زبان فارسی تبدیل نشود؛ بلکه متن کاملاً برپایه قابلیت‌های زبان فارسی ترجمه شود و از فصاحت و روانی برخوردار باشد» (خزاعی‌فر، ۱۳۸۶، ص ۱۳-۱۴). این مؤلفه برای پیشگیری از به وجود آمدن ابهام بر اثر اختلاف دو زبان به مترجم بسیار سود می‌رساند. ابهام انواع گوناگونی دارد: ابهام ساختاری و یا ابهام بر اثر اختلاف در ضمائر جنسیتی یا ابهام به سبب تفاوت‌های موجود در راهبردهای ساخت متنی و ترجیحات سبکی یا تفاوت‌های فرهنگی یا ابهام بر اثر حذف در زبان مبدأ هنگام ترجمه و ...

«اجرای این مؤلفه‌ها در متون گوناگون با هم متفاوت است؛ برای نمونه، در متون ادبی، مترجم تمایل به ابهام‌گویی دارد تا از این راه ذهن خواننده را درگیر کند؛ ولی در متون دینی شفاف‌سازی تاحدی ضروری است» (افضلی و یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۷۵)؛ ولی «برمن، خلاف نظر دیگران، هرگونه توضیح که در متن ترجمه بیاید و مترجم قصد آشکارسازی آن را نداشته باشد، در زمره انحراف توضیحی قرار می‌دهد» (فرهادی، ۱۳۹۶، ص ۴۶).

کلودی (۲۰۰۴) چهار گونه شفاف‌سازی ارائه می‌دهد: اجباری، اختیاری، کاربردشناختی و ترجمه - ذاتی؛ برای نمونه، تفاوت‌ها در ساختار نحوی و معنایی زبان‌ها سبب شفاف‌سازی اجباری و تفاوت‌های موجود در راهبردهای ساخت متنی و ترجیحات سبکی میان دو زبان سبب شفاف‌سازی اختیاری می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی، شفاف‌سازی‌های کاربردشناختی اطلاعات فرهنگی نهفته در متن را منجر می‌شود. اعضای جامعه فرهنگی زبان مقصد ممکن

مضاف محذوف "حقوق" به مضاف‌الیه "زنان".

افزودن صفت:

- وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا (نساء: ۳۵)؛ و اگر از جداشدن آن زن و شوهر احساس نگرانی می‌کنید، داور "معمدی" از خانواده آن شوهر و داور معمدی از خانواده آن زن تعیین کنید: افزودن صفت معمدمد برای موصوف داور.

۳-۲- آراسته‌سازی (Ennoblement)

آراسته‌سازی یعنی افزودن عبارت تشبیهی و کنایه و آراسته‌کردن عبارت‌ها و در جای دیگر، دستکاری و دخالت مترجم در نشانه‌گذاری‌های متن می‌تواند مفهوم جمله را تغییر دهد. «آراسته‌سازی یعنی ترجمه افلاطونی و ترجمه زیباتر از متن اصلی» (برمن، ۲۰۱۰، ص ۸۰)؛ یا نمونه‌های دیگری چون رعایت ادب که صفارزاده اشاره می‌کند که ادب الهی را در نوشتار ترجمه رعایت کرده است. برای خداوند «فرمود» به جای «گفت» و «اراده فرمود» به جای «چنین و چنان کرد» و برای بندگان در خطاب به باری تعالی «عرض کرد» به جای «گفت» و نظایر آنها» (صفارزاده، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳۳).

«اگرچه برمن آراسته‌سازی را تحریف متن اصلی قلمداد می‌کند، مترجم متون دینی گاه چاره‌ای جز بهره‌گیری از این مقوله ادبی ندارند» (مسبوق و گلزارخجسته، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴). درواقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چندوچون متن اصلی، صرفاً برای خوانا، برجسته و فاخر کردن متن مقصد به متن اصلی توجهی نمی‌کنند و دست به بازنویسی و تمرین

همان ترجمه صرف بسنده کند، فهم آن برای خواننده دشوار است (صیاحی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۹).

- وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ (نساء: ۱۲)؛ و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند، کلاله باشد (بدون فرزند و پدر و مادر): روشن‌سازی "کلاله" با آوردن واژه‌های توضیحی درون پرانتز برای رفع ابهام. این روشنگری درون پرانتز، متن را مفهوم‌تر و ملموس‌تر ساخته است.

- وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ (نساء، ص ۲۴) (همچنین) ازدواج با زنان شوهردار بر شما حرام است، مگر زنانی که "درجنگ با کافران" آن‌ها را مالک شده‌اید. این احکام الهی است که بر شما "درباره ازدواج‌های حرام" مقرر فرموده شده، ص عبارت‌های درون پرانتز، به منظور دوری از هر گونه ابهام آمده است.

۳-۲-۲- مرجع اسم موصول

- وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيهَا مِنْكُمْ فَأَدُوهُمَا (همان: آیه ۱۶)؛ و آن دو چه زن و چه مرد زناکار خانواده را شکنجه دهید: اشاره به هر دو "جنس زن و مرد" برای اسم موصول اللذان.

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ (نساء: ۳۲)؛ و نعمتی که خداوند به سبب آن بعضی را بر بعضی دیگر برتری عنایت فرموده، آرزو نکنید: افزودن واژه "نعمت" برای روشن‌سازی مای موصول.

۴-۲-۲- مضاف محذوف

- وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ (نساء: ۱۲۷)؛ (ای پیامبر!) درباره حقوق زنان از تو فتوا می‌خواهند: افزودن

رضای خداوند، برپادارنده حق و عدالت باشید: گذاشتن علامت "تعجب" پس از فعل ایمان آورده‌اید، به‌منظور تأکید است که بر زیبایی متن افزوده است.

۲-۳-۲- رعایت ادب

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ (نساء: ۷۷)؛ (ای پیامبر) آیا به خاطر نداری آن افرادی که پیش از جهاد به آنها فرموده شد: «فعلاً دست از جنگ بردارید: به کار بردن واژه "فرمودن" به جای "گفتن".

۲-۳-۳- ادبی نویسی

- وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نساء: ۲۵)؛ البته شکیبایی و خویشتن‌داری برای شما بهتر است و خداوند آن عفوکننده رحمت‌گستر است: به کار بردن واژه "رحمت‌گستر" بر زیبایی متن افزوده است.

۲-۴- تطویل یا اطناب کلام (Allongement)

اطناب، ادای مقصود با عباراتی بیشتر از عبارات مألوف است (التفتازانی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۹). اطناب تا حد بسیاری نتیجه دو گرایش عقلایی‌سازی و شفاف‌سازی است. مترجمانی که تمایل دارند همه چیز را بسیار شفاف بیان دارند و چیدمان ساختارهای متن اصلی را برهم بزنند، معمولاً متنی بلندتر از متن اصلی می‌آورند (برمن، ۲۰۱۰، ص ۷۹). این مؤلفه در همه ترجمه صفارزاده به چشم می‌خورد؛ یعنی شمار جمله‌هایی که حجمشان با جمله مبدأ متعادل باشد، به دشواری یافت می‌شود. از این میان، شمار واژه‌های مترادف با مؤلفه‌های معنایی و اطناب‌های دیگر چون واژه‌های اضافی از همه بیشتر به چشم می‌خورد.

سبکی از متن اصلی می‌زنند» (افضلی و یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۷۴). صفارزاده بسیار اندک از مؤلفه آراسته‌سازی بهره جسته و به فرم عربی پایبند است و از تعابیر و عبارتهای ادبی دوری کرده است؛ مانند گسیل کردن به جای فرستادن.

از نمونه‌های آراسته‌سازی که در این ترجمه به چشم می‌خورد:

۱-۳-۲- علامت‌های سجاوندی

یکی از مؤلفه‌های برمن، تخریب ضرباهنگ متن هست که هر گونه علامت سجاوندی مانند (نقطه و ویرگول و پرانتز و ...) اضافه را با این عنوان یاد می‌کند و باعث تخریب متن می‌شود؛ ولی گفته می‌شود برخی از علامت‌ها همچون دونقطه: (علامتی که برای روشن‌سازی جمله پیش از خود است)، پس از واژه "بگو" و "می‌فرماید" و نیز علامت تعجب نشان از زیندگی جمله دارد.

- يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ (نساء: ۱۷۶)؛ (ای پیامبر) از تو درباره کلاله (کلاله) می‌پرسند، بگو «خداوند درباره کلاله چنین حکم می‌فرماید: گذاشتن "علامت دونقطه" پس از دو واژه "بگو" و "می‌فرماید" برای تأکید و زیباتر کردن جمله.

- يَوْصِيكُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ (نساء: ۱۱)؛ خداوند درباره تقسیم ارث بین فرزندانان به شما چنین سفارش می‌فرماید: سهم پسر دو برابر دختر باشد: افزودن "علامت دو نقطه" برای خوانا و روان جلوه دادن متن، با اینکه گذاشتن این علامت سبب اطناب جمله می‌شود.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ (نساء: ۱۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته در راه

گونه‌های اطناب عبارت‌اند از:

۱-۴-۲- اطناب واژگانی (ناشی از واژه‌های مترادف

با مؤلفه‌های معنایی)

یعنی دو واژه مترادف که معادل برای یک واژه در زبان مبدأ در نظر گرفته شده‌اند و این دو مترادف، تکرار همان واژه در زبان مقصد نیستند.

– وَأَتَوُا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (نساء: ۴)؛ و مهریه زنان را به‌طور کامل، با رضا و رغبت به آنها پردازید و اگر زنان با رضایت قلبی بخشی از آن را به شما ببخشند، مصرف آن حلال و گوارایتان است: "رضا و رغبت" دو واژه مترادف با مؤلفه‌های معنایی یکسان؛ و نیز جمله "به‌طور کامل" در آیه نیامده، ولی ترجمه شده است.

– وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ (نساء: ۲۵)؛ و هر یک از شما که از لحاظ هزینه و امکانات مالی نتوانید با زنان پاکدامن و باایمان و آزاد، ازدواج کنید. واژه‌های مترادف "هزینه" و "امکانات مالی" با مؤلفه‌های معنایی مشترک.

۲-۴-۲- اطناب واژگانی (ناشی از واژه عربی به

همراه ترجمه فارسی)

– وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء: ۵)؛ اما از اموالشان، وسیله معاش، خورد و خوراک و لباس برای آنها فراهم کنید و با آنها سخن شایسته و نیکو بگویید؛ اطناب واژگانی ناشی از واژه عربی "معاش" به همراه ترجمه فارسی آن "خورد و خوراک".

– أَتَاخَذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا (نساء: ۲۰)؛ آیا برای

پس گرفتن مهریه به تهمت زدن و افترا که گناهی آشکار است، متوسل می‌شوید؟ اطناب واژگانی ناشی از واژه عربی "افترا" به همراه ترجمه فارسی تهمت.

۳-۴-۲- اطناب در قالب باهم‌آوایی واژگان

یعنی هم‌نشینی یک واژه با واژه‌هایی که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی شباهت داشته باشد.

فَأَمْسِكُوهُمْ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (نساء: ۱۵)؛ آن زن را در خانه محبوس سازید تا مرگش فرا رسد یا خداوند (با صدور حکمی دیگر) "راهی و چاره‌ای" برای او مقرر فرماید: اطناب دو واژه راه و چاره در قالب باهم‌آوایی واژگان.

اطناب‌های دیگر:

گاهی در ترجمه، نمونه‌هایی وجود دارند که که نیازی به آوردن آنها در متن نیست و از نظر معنایی چیز خاصی را به متن ترجمه نمی‌افزاید.

۴-۴-۲- واژه و عبارت اضافه

– فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي التُّلْتِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يَوْصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ (نساء: ۱۲)؛ و اگر بیش از این تعداد باشند، یک‌سوم ارث می‌برند؛ البته پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده و پس از پرداخت دیون «شخصی که فوت شده که پرداخت آن اولویت دارد و این به شرطی است که در وصیت قصد ضرر به ورثه نباشد»: افزودن معادل‌های طولانی در برابر واژه‌های "دین" و "غیرمضار".

– لَاتَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (نساء: ۲۲)؛ و با

۵-۲- غنازدایی یا تضعیف کیفی

(appauvrissement qualitative)

«تضعیف کیفی به معنای برابریابی واژگان، عبارت‌ها و ساختارهای متن مبدأ با واژگان و ساختارهایی که گنجایش‌های آوایی، معنایی و نشانه‌ای را انتقال نمی‌دهند» (برمن، ۲۰۱۰، ص ۸۲). «برابری دلالی و نشانه‌ای واژگان و عبارات ترجمه و متن اصلی، یکی از دغدغه‌های همیشگی مترجمان ادبی بوده است؛ ولی این امر هیچگاه در ترجمه - به‌ویژه متون دینی - به‌طور کامل محقق نشده است» (رحیمی خویگانی، ۱۳۶۱، ص ۶۹). این مؤلفه در ترجمه صفارزاده نمود اندکی دارد. در برخی موارد نتوانسته است واژگان و جملات را درست برابریابی کند و متن را دچار تضعیف کیفی کرده است.

۱-۵-۲- ترجمه واژه

«وَأَلْتَوْتُوا السُّهْمَاءَ أَموالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا (نساء: ۵)؛ و اموالی که متصرف آن هستید و خداوند وسیله حیات مادی شما مقرر فرموده است: "قیام" به معنای مایه قیام و قوام است؛ بهتر بود از معانی دیگر آن استفاده می‌کرد: اموالی که خدا "قوام" زندگی شما را به آن مقرر داشته است.

«وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا (نساء: ۱۶)؛ و آن دو، چه زن و چه مرد زناکار خانواده را شکنجه دهید؛ پس اگر توبه کردند و با اصلاح خود به جبران برخاستند، از تقصیرات آنها درگذرید؛ فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا: اصلح به معنی اصلاح و کار شایسته است و آوردن فعل "به جبران برخاستن" از درستی مفهوم کاسته است؛ بهتر بود تنها فعل اصلاح کردن و به کار شایسته پرداختن را به کار می‌برد.

زوجه پدرتان ازدواج نکنید و اگر چنین کرده‌اید (قبل از این حکم) جدا شوید که این کاری زشت و ناپسند و روش بسیار نکوهیده‌ای بوده است. آوردن واژه "جدا شوید" که در متن اصلی وجود ندارد و بر طولانی شدن جمله افزوده است و نیز فعل "اگر چنین کرده‌اید"، در آیه نیست.

«فَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ (نساء: ۲۴)؛ مهریه آنان را طبق قرارداد پردازید و گناهی بر شما نیست که پس از تعیین مهریه با رضایت یکدیگر (مقدار آن را) کم یا زیاد کنید؛ برای فعل تک‌واژه‌ای "تراضیتیم"، ترجمه طولانی "با رضایت یکدیگر کم یا زیاد کنید" را آورده و پیداست جمله را بسیار دراز کرده است.

۵-۴-۲- عبارت اضافه درون پرائتز

در بخش شفاف‌سازی اشاره شد عبارت یا واژه توضیحی درون پرائتز یا بیرون آن، برای روشن‌گری بیشتر ذهن خواننده می‌آید؛ ولی در اینجا افزودن این واژه یا عبارت، «تنها حجم متن را می‌افزاید و تأثیر دیگری ندارد» (برمن، ۲۰۱۰، ص ۷۹).

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ (نساء: ۳)؛ اگر (در مقام قیام) بیم آن دارید که نتوانید در امر ازدواج با دختران یتیمی که سرپرستی آنها را بر عهده دارید، با عدل و انصاف رفتار کنید؛ هر چند تا از زنان دیگر که می‌پسندید، دو یا سه یا چهار، به زنی بگیرید: در این آیه به جمله "سرپرستی آن را به عهده دارید" اشاره می‌کند و دیگر نیاز نبود "قیم‌بودن" را درون پرائتز بیاورد.

۲-۵-۲- ترجمه صیغه فعل

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْمُؤْمِنَاتِ (نساء: ۲۵)؛ و هر یک از شما که از لحاظ
 هزینه و امکانات مالی نتوانید با زنان پاکدامن و باایمان
 و آزاد، ازدواج کنید. "نتوانید ... ازدواج کنید"، این دو
 فعلِ غایب‌اند، ولی به صورت مخاطب ترجمه شده‌اند.

۲-۵-۳- ترجمه جمله خبری و انشایی

- وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ
 شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (نساء: ۴)؛ و مهریه
 زنان را به طور کامل، با رضا و رغبت به آنها بپردازید و
 اگر زنان با رضایت قلبی بخشی از آن را به شما
 ببخشند، مصرف آن حلال و گوارایتان است: فعل
 "کلوا" امری است، به معنی بخورید؛ ولی در اینجا به
 شکل خبری ترجمه شده است.

۲-۵-۴- ترجمه جمع و مفرد

- حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ
 وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخْتِ
 وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ (نساء: ۲۳)؛ ازدواج با این
 افراد بر شما حرام شده است: (ازدواج) با مادر و
 دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر
 خواهر و مادران رضاعی (که شیر داده‌اند): "اسامی" و
 "ضمایر" همگی جمع‌اند؛ ولی مترجم اسم‌ها را مفرد
 آورده و ضمایر را ترجمه نکرده است.

۲-۶- تضعیف کمی (appauvrissement)
 (quantatif)

«تضعیف کمی یعنی کاستن از تعداد واژگان و
 عبارت متن اصلی در میان ترجمه» (برمن، ۲۰۱۰، ص

۸۳). در این مورد مترجم بی هیچ توجیهی دست به
 کاستن و حذف واژه‌ها میزند. «ممکن است یک واژه
 دارای چندین معنا باشد و ممکن است در یک عبارت،
 چندین واژه با چندین معنای گوناگون وجود داشته
 باشد و اگر نویسنده همه معانی را بیاورد، ترجمه او
 دچار اشکال می‌شود؛ بنابراین، مترجم باید بهترین معنا
 را برگزیند؛ گرچه در باور برمن، ترجمه دچار
 غنازدایی کمی می‌شود (مسبوق و خجسته، ۱۳۹۶، ص
 ۱۱۸). تضعیف کمی کمترین نمود را در ترجمه
 سفارزاده دارد و تنها در چند نمونه، بخشی از متن و
 واژه را حذف کرده و ترجمه نکرده است.

۲-۶-۱- حذف واژه

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا
 وَلَا تَغْضَبُوا لَهُنَّ (نساء: ۱۹)؛ ای کسانی که ایمان
 آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را (چون
 اموال) به ارث ببرید. زنان را در فشار قرار ندهید. زنان
 را به اکراه ارث ببرید. مترجم به دلخواه خود ترجمه
 واژه "به اکراه" را از جمله حذف کرده است.

۲-۶-۲- حذف جمله فعلیه و اسمیه

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى
 حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى
 تَغْتَسِلُوا (نساء: ۴۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید!
 درحال مستی قصد نمازخواندن نکنید. صبر کنید تا
 هشیار باشید و بدانید که چه می‌گویید و همچنین
 درحالی که جنب هستید و غسل نکرده‌اید (به مسجد
 داخل نشوید). در این آیه، مترجم از ترجمه جمله
 فعلیه "حَتَّى تَغْتَسِلُوا: تا زمانی که غسل نمایید"، غفلت
 ورزیده است.

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (نساء: ۳)؛ و اگر بیم آن دارید که در بین زنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن آزاد یا به کنیزی که مالک شده‌اید، بسنده کنید تا از کیفر (ستم و) بی‌عدالتی نسبت به دیگران مصون بمانید. جمله اسمیه "ذلک ادنی" ترجمه نشده است؛ این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است.

۳-۶-۲- حذف به قرینه

وَأَمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ (نساء: ۲۳)؛ و مادرزن و دختر همسران که نزد شما تربیت شده (و حکم پدر او را دارید) و البته در صورتی که با مادر این دختر همبستر شده باشید، و گرنه مانعی ندارد و گناه محسوب نمی‌شود. جمله "فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ" بنا بر قرینه لفظی پیش از خود، به وگرنه ترجمه شده است و ترجمه عبارت "اگر با آنها همبستر نشده‌اید" حذف شده است.

نتیجه‌گیری

هرچند تغییر ساختارهای نحوی و منطقی‌سازی آنها در ترجمه، یک امر روشن است، صفارزاده همه ساختارهای نحوی را از فیلتر عقلایی‌سازی رد کرده و نمونه‌هایی چون تأکیدهای ضروری، تقدیم و تأخیر و عامل بودن اسم فاعل و مصدر را از میان برده است. او در ترجمه خود تلاش کرده است هیچ عبارتی را از قلم نیندازد؛ ولی در بسیاری از نمونه‌ها، عبارت‌ها را به صورت تحت‌اللفظی برگردانده است. در این پژوهش مشخص شد در ترجمه صفارزاده

نمونه‌هایی چون عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، آراسته‌سازی، تکییف کیفی و تکییف کمی به شکل معناداری، دلالت‌های متن اصلی را دچار تحریف کرده و بسیاری از دلالت‌های واژگانی و ساختاری متن مبدأ در ترجمه، دچار تغییر شده است. یکی از کاستی‌های ترجمه او، تشخیص‌ندادن درست ریشه و معادل برای واژگان و دیگری، ترجمه نادرست زمان برخی از افعال است. بسیاری از عبارت‌ها در ظاهر درست به نظر می‌رسید، ولی با پیاده‌سازی نظریه برمن، میزان انحراف مترجم از متن مبدأ مشخص شد. از میان مؤلفه‌های شش‌گانه تحریف متن - که از نظریه ارزیابی آنتوان برمن در این جستار گزینش شد - تضعیف کیفی، آراسته‌سازی و پس از آن، تضعیف کمی، کم‌بسامدترین عوامل بود. میل به شفاف‌سازی در ترجمه صفارزاده به روشنی دیده می‌شود.

اطناب در تمام ترجمه او وجود دارد؛ یعنی شمار جمله‌هایی که حجمشان با جمله مبدأ متعادل باشد، به دشواری یافت می‌شود. بیشترین سبب اطناب در ترجمه او، تلاش برای شفاف‌سازی است و از این میان، شمار واژه‌های مترادف با مؤلفه‌های معنایی و اطناب‌های دیگر چون واژه‌های اضافی از همه بیشتر به چشم می‌خورد.

مترجم در این ترجمه به سبب تفاوت‌های ساختاری میان دو زبان عربی و فارسی، ناگزیر متن ترجمه را عقلایی کرده است. متن گاهی شفاف‌سازی شده است؛ ولی اطناب کلام، بسیار وجود دارد.

صفارزاده بسیار اندک از مؤلفه آراسته‌سازی بهره‌جسته و به فرم عربی پایبند است و از تعابیر و عبارت‌های ادبی دوری کرده است؛ مانند گسیل کردن به جای فرستادن.

ترجمه مجملات و متشابهات قرآن، نامه فرهنگستان، شماره ۳۴، ۹-۳۴.

خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران: مهتاب.

رحیمی خویگانی، محمد. (۱۳۶۱). «گرایش‌های ریخت‌شکنانه در ترجمه داریوش شاهین از نامه سی‌ویکم نهج‌البلاغه با تکیه بر نظریه آنتوان برمن، ۲۰۱۰»، مجله دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات

ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۵، شماره ۱۰، ۸۵-۴۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۱). «نقش دانش‌های مترجم در ترجمه قرآن»، ترجمان وحی، شماره ۱۲، ۳۶-۵۸.

صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۹). ترجمه قرآن حکیم. چاپ چهارم. تهران: پارس کتاب.

صیاحی و همکاران. (۱۳۹۶). «تصریح، تبیین و شرح کوتاه درون‌متنی در ترجمه فیض‌الاسلام از نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال ۵، شماره ۱۷، ۵-۷۳.

فارسیان، محمدرضا و نسرین اسماعیلی. (۱۳۹۶). «بررسی آخرین ترجمه رمان بیگانه براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن». نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۱۴، شماره ۱۸، ۱۶۹-۱۵۱.

فرهادی، محمد و میرزائی الحسینی، سید محمود و علی نظری. (۱۳۹۶). «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه براساس نظریه آنتوان برمن»، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۷، ۵۴-۳۱.

کریمی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۹). ساخت‌های زبان فارسی و مسئله ترجمه قرآن. تهران: نشر هرمس.

محمدی، علی محمد. (۱۳۸۸). «تحلیل رویکردهای

او در برخی نمونه‌ها نتوانسته است واژگان و جملات را درست برابریابی کند و متن را دچار تضعیف کیفی کرده است.

- و تضعیف کمی کمترین نمود را در ترجمه او دارد و تنها در چند نمونه بخشی از متن و واژه را حذف کرده و ترجمه نکرده است.

کتابنامه

قرآن کریم. (۱۳۸۷). ترجمه طاهره صفارزاده. مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع) <http://lib.ahlolbait.ir/parvan/resource/39> 339.

افضلی، علی و عطیه یوسفی. (۱۳۹۵). «نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی براساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی کتاب الجلسان الفارسی اثر جبرائیل المخلع»، دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۶، شماره ۱۴، ۸۸-۶۵.

برمان، أنطوان. (۲۰۱۰). الترجمة و الحرف أو مقام البعد. ترجمة و تقديم: عزالدین الخطابی. بیروت: المنظمة العربية للترجمة.

بیکر، مونا. (۱۳۹۳). به عبارت دیگر. ترجمه علی بهرامی. چاپ اول. تهران: رهنما.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا و سید علیرضا شیرین‌زاده. (۱۳۸۸). «بررسی جنبه‌های شفاف‌سازی در برخی از ترجمه‌های فارسی به انگلیسی گلستان سعدی بر مبنای بافتی متناظر»، جستارهای ادبی، شماره ۱۶۶، ۱۲۹-۱۴۶.

التفتازانی، سعدالدین. (۱۳۷۶). مختصر المعانی. چاپ سوم. قم: دارالفکر.

خزاعی‌فر، علی. (۱۳۸۶). «کاهش و افزایش در

- Shirin Zadeh, Seyed Alireza (1388). Investigating the aspects of transparency in some persian to English translations of Golestan Saadi based on the corresponding context. *Literary Essays*. No. 166. 129-146
- Al-Taftazani, Sa'ad Al-Din (1376). *Summary of meanings*. 3rd ed. Qom، ص، Dar Al-Fikr.
- Hurri, Abolfazl (1390). "Style in translation; Saleh Hosseini's Individual Strategies through the Universal Translation of Anger and Commotion ", *Research in Contemporary World Literature*, No. 62, p. 43-42
- Khazaeifar, Ali (1386). *Decrease and Increase in the Translation of Quranic Phrases and Analogies*. *Academy letter*. 34 (2). P. 9-34.
- Khatib Rahbar, Khalil (1381) *Persian Grammar*. Ch. 1. Tehran، ص، Mahtab.
- Rahimi Khoigani, Mohammad (1361). "Morphological Tendencies in Dariush Shahin's Translation of the 31st Letter of Nahj Al-Balagheh Based on the Theory of Antoine Berman (2010)", a Bi-Monthly Scientific-Research journal of Quran and Hadith translation studies. V.5, No.10, 85-47.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (1381). *The Role of Translator Knowledge in Quran Translation. Translator of Revelation*. No.12. p.36-58.
- Saffarzadeh, Tahereh (1389). *Translation of the Quran Al-Hakim*. 4th. ed. Tehran، ص، Pars Book.
- Samimi, Mohammad Reza (1391). "Study of the Translation of the story of Hills Like White Elephants Based on the Text Distortion System of Antoine Berman", *Literature Month Book Magazine*, No. 179, September, p.49-44
- Siyahi et al. (1396). *Clarification, Explanation and Short Description Within the Text in the Translation of Faiz Al-Islam from Nahj Al-Balaghah*. *Nahj Al-Balaghah Research Quarterly*. 5th year. No.17, p.57-73.
- نظری نقد ترجمه "کاربردهای آموزشی و پژوهشی". پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۵۱، ۸۳-۱۰۷.
- مسبوق، سیدمهدی و ابوذر گلزار خجسته. (۱۳۹۶). «واکاوی ترجمه پورعبادی از حکمت‌های رضوی براساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن». *مجله فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی*، سال ۵، شماره ۱۹، ۱۲۲-۱۰۵.
- معین، جواد و محمدعلی رضایی کرمانی. (۱۳۹۴). «نقد ترجمه فارسی آیات الاحکام در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم»، *آموزه‌های قرآنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۲، ۱۳۳-۱۶۲.
- مهدی پور، فاطمه. (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۴۱، ۶۳-۵۷.

Bibliography

- The Holy Quran(1387). Trans. Tahere Saffarzadeh. Ahl al-Bayt Research and Publication Institute. Web.
- Afzali, Ali and Atie Yousefi (1395)."A Critique of Golestan Saadi's Arabic Translation Based on Antoine Berman's Theory ", *A Case Study of Jabrail Al-Mukhla's Persian Book of Al-Jalistan*, *Bi-Quarterly Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 6th, No.14,p.65-88.
- Berman, A. (1999). *La trabuction et la lettree ou laubge du lointain*. Paris: seuil.
- Berman, Antoine (2010). *Translation and letter or denominator*. Translation and introduction Ezzedine Al-Khattabi. Beirut، Arab Organization for Translation.
- Baker, Mona (1393). *In Other Words*. Translation، ص، Ali Bahrami. 1st ed. Tehran، ص، Rahnama.
- Pahlavan Nejad, Mohammad Reza and

Noor University· Kermanshah Center.

- Farsian, Mohammad Reza and Ismaili, Nasrin (1396). A Review of the Latest Translation of the Alien Novel Based on the Text Distortion System of Antoine Berman. *Criticism of Foreign Language and Literature*, V.14th(XIV), No.18. p.169-151
- Farhadi, Mohammad and Mirzaei Al-Husseini, Seyyed Mahmoud and Nazari, Ali (1396). A Criticism and Review of Redundancy and Explanation in the Translation of Sahifa Sajjadih Based on the Theory of Antoine Berman, *Two Scientific-Research Quarterly of Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 7th year, No.17, p.31-54.
- Kariminia, Morteza (1389). *Persian language Structure and the Issue of Quran translation*. Tehran· Hermes pub.
- Mohammadi, Ali Mohammad (1388). *The Analysis of Theoretical Approaches of Translation Criticism (Educational and Research Applications)*. *Foreign Languages Research*. No.51. p. 83-107.
- Masbouq, Seyyed Mahdi, Golzar Khojasteh, Abuzar (1396). "Analysis of Pour Abadi's Translation of Razavi's Wisdoms Based on Antoine Berman's Text Distortion System". *Scientific-Research Quarterly Journal of Razavi Culture*. 5th year, No.19. p.122 -105.
- Moin, Javad and Rezaei Kermani, Mohammad Ali (1394). Criticism of the Persian Translation of the Ayat al-Ahkam in the Persian Translations of the Holy Quran. *Quranic Teachings*. Razavi University of Islamic Sciences. No. 22. p.133-162.
- Mehdipour, Fatemeh (1389). "A Theory on the Emergence Process of Translation Theories and a Study of the System of Text Distortion by Antoine Berman", *Book of the Literature Moon*, No. 41 (155 consecutive). p. 63-57
- Hemmati, Shokooh (1396). *Criticism and Evaluation of the View of the Holy Quran's Translators towards Ayat al-Ahkam*. the Master Thesis, Payam-e